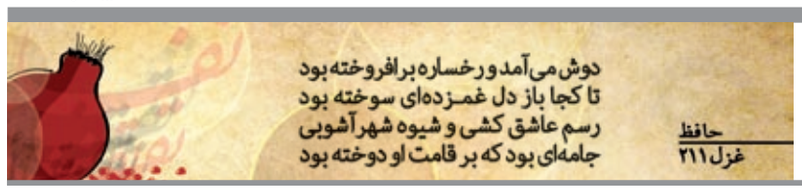
دوش می‌آمد و رخساره برافروخته بود
تا کجا باز دل غمزده‌ای سوخته بود
رسم عاشق کشی و شیوه شهرآشوبی
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود
حافظ
غزل ۲۱۱

ذکر روز سه شنبه
صد مرتبه
یا ارحم الراحمین

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:
صله رحم، خوش اخلاقی و خوش همسایگی
شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند
نهج الفصاحه، ح ۱۸۳۹

در محضر بزرگان

لزوم پرسیدن مسائل و شبهات از اهل آن

آیت ا... بهجت درباره لزوم مراجعه به متخصصان در دین هنگام برخورد با سوالات یا شبهات دینی گفته‌اند: «اگر در امور دینی یا عقیدتی اشکالی داری، برو از اهلش بپرس تا اشکالت برطرف شود. انسان گاهی در امر دین اشکالی به نظرش می‌رسد یا شبهه‌ای به او القا می‌شود گمان می‌کند که آن اشکال لاینحل است و دیگر جوابی ندارد و پیش خود و بدون مراجعه به اهل آن قضاوت می‌کند و می‌گوید: «پس دین باطل است و ایراد دارد!» چگونه از اهل دین و اهل علم می‌ترسی و نزد آن‌ها نمی‌روی و از آن‌ها سؤال نمی‌کنی، ولی از خود شبهه و اشکال نمی‌ترسی که چه بسا موجب نابودی و هلاک دایمی تو گردد؟!»
منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه

احکام

ثواب خرید کالای ایرانی

محمد علی ندائی- در آموزه های فقهی، تقویت نظام اسلامی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی، اصلی اساسی و وظیفه ای همگانی است. درهمین راستاست که حضرت آیت ا...خامنه ای دراستفتایی اظهار فرمودند که اگر خرید و فروش و استفاده از کالای خارجی موجب تضعیف کالای ایرانی و ضرر به اقتصاد نظام اسلامی شود، جایز نیست. چنان که در استفتایی دیگر، خرید کالای ایرانی به نیت تقویت مسلمانان و نظام اسلامی را دارای ثواب دانسته اند:
سوال: آیا خرید کالای ایرانی ثواب هم دارد؟
جواب: اگر به نیت تقویت مسلمانان و اقتصاد نظام اسلامی انجام شود قطعاً ثواب دارد.

فتونکته

سخن بزرگان

* کاریکاتور، گذاشتن چهره شوخی است بر پیکره حقیقت.
جوزف کنراد
* عشق مثل سرخک است، هرچه دیرتر سراغ آدم بیاید بدتر است.
داگلاس جرولد
* وراثت چیزی است که وقتی فرزند با هوشی دارید به آن اعتقاد پیدا می کنید!
ام تورپن
* اگر می‌خواهی بچه‌هایت گوش بدهند، آهسته با یکی دیگر صحبت کن.
ان لاندرز
* پشت هر مرد موفقی مادرزنی انگشت به دهان ایستاده است!
هیوبرت هامفری
* تلویزیون ثابت کرد که مردم حاضرند به هر چیزی نگاه کنند مگر به همدیگر.
ان لادرز
* کمدی شیوه‌ای مضحک برای جدی بودن است.
پیتر یوستینف
برگرفته از کتاب «فرهنگ گفته های طنزآمیز» گردآوری و ترجمه رضا هیرمندی

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا تاتاری، تصویرساز: سعید مرادی

کسی بهش یاد نداده که زل زدن بی ادبانه است؟

اندکی صبر

باید زیست!

پشت این پنجره
جز هیچ بزرگ، هیچی نیست
قصه این جاست که باید بود، باید خواند
پشت این پنجره ها باز هم باید ماند
و نباید که گریست
باید زیست
حسین پناهی

دنیا به روایت تصویر

دوره آموزشی یخ نوردی در میگون از شهرهای استان تهران، عکس از میزان

راه رفتن روی آتش با پای برهنه در جشنواره «نوید آمدن بهار در ژاپن»، عکس از خبرگزاری فرانسه

سر به سر گذاشتن دو کلاغ با یک گوزن، عکس از رویترز

دور دنیا

سریع ترین زمان حل مکعب روبیک!

گینس ورلد رکورد/ «آلبرت آبیجو»، مهندس آلمانی چندین سال است که درباره روباتی که بتواند مکعب روبیک را در کمترین زمان ممکن حل کند، کار می کند. بالاخره روبات او توانست رکورد جدیدی را در گینس ثبت و فقط با ۲۱ حرکت و در مدت ۶۳۷ هزارم ثانیه مکعب روبیک را کامل کند. این روبات با پردازش سریع رنگ مکعب ها و پیش بینی دقیق حرکات، می تواند به راحتی مکعب روبیک را کامل کند.

خانه آینه ای

تاکسل/ یک هنرمند با استعداد و خوش ذوق آمریکایی به نام «داگ اتیکن»، خانه ای را در صحرای کالیفرنیا طراحی و ساخته است که سراسر با آیینه پوشانده شده و با توجه به این که اطرافش را گندم زار گرفته ، نمای زیبایی را از بیابان اطرافش به نمایش گذاشته است. با نگاه کردن به این خانه زیبا، شما متوجه نمی شوید که در حال تماشای افق زیبای صحرا هستید یا دیوار های خانه را تماشا می کنید!

چندسال بعد در چنین روزی

مراسم روز درختکاری برگزار شد

در این مراسم که با حضور مسئولان و شهروندان در پارک شهر برگزار شد، معاون حفظ درختان سازمان محیط زیست ضمن اظهار امیدواری برای نگهداری از درختان، از پروژه باغچه برای تنها درخت باقی‌مانده در سطح شهر رونمایی کرد. در ادامه پیمانکار این پروژه توضیح داد: «بعد از نابود شدن و قطع تمامی درختان شهر، تصمیم بر این شد از تنها درخت باقی مانده حفاظت ویژه‌ای شود که این باغچه با حصار و سیستم الکترونیکی در اطراف آن طراحی شد.» سپس هنگام اجرای مراسم پایانی، یکی از فشفشه‌های جشن روی تنها درخت شهر افتاد و آن هم خاکستر شد و تمام! #الکی

از شما

با این روح سرگردان چه کنم؟

زندگی را دوست می دارم / اما زندگی ام با مرگ به پایان می رسد / مرگ را دوست دارم / اما مرگ پایان زندگی نیست / زمین را دوست می دارم / اما روحم آسمانی است / آسمان را دوست دارم / اما پابند زمینم / پرواز را دوست دارم / اما بالی برای پریدن ندارم / عشق را دوست می دارم / اما سرانجامی جز تنهایی نمی بینم / آزادی را دوست دارم / اما اسیر این همه تضادم / با این روح سرگردان چه کنم؟
زهرا شایان از همدان

مخاطبان گرامی، شماهم می‌توانید مطالب (طنز، شعر، خاطره و...) خودتان را به شماره ۳۷۶۱۵۰۴۲ فکس یا در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید تا با نام خودتان چاپ کنیم.

نسخه درختکاری در قم

- واسه خرید عید اصلا مشکل پولی ندارم، چون کلا پولی ندارم که به مشکل بر بخورم!
- ۳۰ ساله شدم اما هنوز از ته کیفم خرده بیسکویت در میاد، من فکر می‌کردم این قضیه بزرگ شیم تموم می‌شه!
- من هنوز نفهمیدم چرا add رو به فارسی ادد می نویسن؟! اگه اون طوری درسته چرا follow رو فالو نمی نویسن!؟
- من همیشه حل مشکلاتم رو با «فعلا یه چایی بریزم» شروع می‌کنم!
- من اگه پولدار بودم فقط می‌خوابیدم، البته الانم که پولدار نیستم فقط می‌خوابم!
- بچه کوچولوم گوشیم رو آورده میگه بابا بیا برات استرس اومده. واقعا بهترین واژه معادل رو به کار برد.
- از ویژگی های خوب سال ۹۵ می تونم به تموم شدنش اشاره کنم. ممنون که داری تموم می شی!
- از وقتی شبکه ۳ دیگه عیدها و چهارشنبه سوری و تابستون ها و باقی تعطیلات ارباب حلقه ها نشون نمی ده، زندگی دیگه مثل قبل جالب نیست!
- اعتماد به نفس فقط آدامس شیک که ۳۰ ساله یه لباس سبز تنشه هنوز به خودش می گه شیک!

Like Comment

کله چغوکی

آق کمال باز هم خانه‌تکانی می‌کند

جمعه عیال گفت: «قرار شده امروز مامان سهیلا بیاد» انا حالا خوب رفت! مامان سهیلا از وقتی کاملیاخانم خُردو بوده می‌آمده خانه‌شا و کارهای خانه ره مِکرده و عیال رَم بزرگ کرده. یَگ پیرزن بانمکه که اسم دخترش سهیلایه و مثل اعضای خانواده دوستش درن. الان هم هفته‌ای یَگ بار میه خانه خُسرم و همی‌جور الکی یَگ کارایی مُکنه و مِره. پیر رفته و کاری از دستش برنمیه ولی از روی عادت مگن بیه.
عیال هم دلش نیامده بود و مِخواست یَگ نونی بهش برسانه. ساعت ۱۰ آمد. چون وزنش زیاد رفته، تا آمد بالا از نفس افتاده بود. کاملیاخانم براش چای و شِرنی آورد تا نفسش جا بیه. حالش که جا آمد عیال گفت: «زحمت اتاق خواب با شما.» پیرزن ورخاست رفت تو اتاق. مویَم داشتُم دیوارهای هال ره تمیز مِکردُم. مامان سهیلا صدا زد: «کمال جان بیا.» دیدُم نشسته رو تخت و قاب عکس‌ها دستشه. مُپرسید: «این عکسا رو کجا گرفتین؟» براش توضیح دادُم و خواستُم بیام بیرون که گفت: «بی‌زحمت نردبون رو بیار برای پرده‌ها.» نردبون ره گذاشتُم که گفت: «کجا میری پسرم؟ من که با این سن و هیکل نمی‌تونم ازش برم بالا. ترس از ارتفاع دارم. بازشون کن.» حالا وسط کارُم، زود وازشان کردُم و آمدُم تو هال. دو دقیقه بعدش صدام زد: «کمال جان بیا این پنجره‌ها رو دربیار که بشوریم.» بُدو رفتُم پنجره‌ها ره درآوردُم و بردُم تو حموم و تا آمدُم برگردُم واز گفت: «کجا؟ یه آب بگیر روشون و خشک کن بذار سر جاشون دیگه!» عیال که تو آشپزخانه سرش بند بود، مو مانده بودُم و مامان سهیلا و اُرد و فرموناش.
ما کارا ره مِکردم و مامان سهیلا هم همزمان با خوردن میوه‌هایی که کاملیاخانم براش پوست کنده بود و چایی که مرتب براش می‌آورد، خیلی خوب به کار ما نظارت مِکرد! وقت ناهار شد. خوشبختانه آبگوشت دوست داشت ولی گفت کم چربی مُخوره. ما اهل نوشابه نیستِم ولی مامان سهیلا آبگوشت بدون نوشابه از گلوش پایین نِمرفت. سر ظهر جمعه خسته و کوفته رفتُم براش یَگ شیشه هم نوشابه گیریفتُم. بعد از ناهار هم که خسته رفته بود، رفت تو اتاق یَگ چرتی بزنه تا کارا ما بی‌صدا تِموم بره. عصر هم دیرش رفته بود و بردم رسوندمش خانه‌اش. خداییش خیلی خوب شد آمد، هم از تنهایی درمان آورد، هم نکات خوبی بهمان گوشزد مِکرد!
آق کمال

رادیو الان

از همین حالا به فکر جنگ و دعوای عید باشید

سلام و خدا قوت، چیز زیادی تا شروع تعطیلات نوروزی و دید و بازدیدها نمونده، لطفاً از الان کارهاتون رو جلو بندازین تا توی تعطیلات بهتون خوش بگذره! البته منظورم از کارها بشور و بساب و خونه تکونی نیست، منظورم تهیه فهرستی از سوالات ضروریه که باید از بچه های فامیل بپرسین. بالاخره تا حالا کسی از خونه تکونی نکردن نمرده، هر چند ممکنه آدم بعد از خونه تکونی بمیره! اما خطرناک تر از خونه تکونی کردن اینه که آدم حس کنجکاویش رو کنترل کنه و سوال هاش رو از دیگران نپرسه. برای همین فهرست کاملی از سوالات دسته بندی کنین:
۱- از مجرد ها: اول بپرسین پس کی ازدواج می کنی؟ اگه گفت: به زودی! بگین: دلت خوشه بابا، متاهل هاش پشیمون هستن! اگه گفت معلوم نیست، بگین: دیر میشه ها، دست بجنبون! نگران تکراری بودن سوالات هم نباشین، از قدیم رسم بوده همین ها رو از مجردها بپرسن، رسم و رسوم رو که نمی شه کاریش کرد.
۲- از بچه کوچولوها: اول بپرسین: عمو جون کلاس چندی؟ بعدش که ابهام تون برطرف شد و زندگی تون رنگ تازه ای گرفت بگین: به به آفرین، چند تا دوست داری؟ اسم معلم تون چیه؟ خانم ضیایی که ۴۰ سال قبل اون جا بود هست یا بازنشسته شده؟
۳- از سربازهای فامیل: بپرسین: چند ماه خدمتی؟ بعد تا گفتش امان ندین و خاطرات خدمت خودتون رو تعریف کنین. سعی کنین طوری پیازداغش رو زیاد کنین که بدونه خدمت سربازیش در مقابل خدمت سربازی شما مثل توشله بازیه در برابر راگبی خشن!
۴- از دانشجویان ترم پایین: اول با بی تفاوتی بپرسین: ترم چند هستی حالا؟ بعد که جواب داد با لحنی روشنفکرانه بگین که نظام آموزشی ما اجازه بروز استعداد جوون ها رو نمی ده و خودتون رو مثال بزنین که یک دکتر بالقوه بودین اما چون معلم تون تو ششم نظام قدیم باهاتون لج کرد ترجیح دادین درس رو ول کنین و بچسبین به کار!
۵- از دانشجویان ترم بالا: دیگه این یکی رو همه از حفظ هستن، همچین از طرف بپرسین پس کی این درست تموم می شه که هر چی میوه و شیرینی خورده زهرش بشه!
۶- از زوج های جوان: کی بچه میارین و کی بچه دوم رو میارین یه کم خز شده، برای همین می تونین بپرسین پس کی طلاق می گیرین؟
۷- از صاحبخونه میانسال و کهنسال: مهم ترین سوال ممکن از این قشر زحمتکش جامعه اینه که بپرسین: طرف شما خونه متری چنده؟ بعد بگین: یه زمین داشتم تو حومه شهر، ۱۰ سال قبل مفت فروختم، یک سال بعدش دانشگاه آزاد دست گذاشت روش و قیمتش ۱۰ برابر شد، اگه داشتمش الان می تونستم نصف محله شما رو بخرم شما رو هم بندازم بیرون دلم خنک بشه.
سید مصطفی صابری

نیاز طنزیها

نویسنده: ناصر رعیت نواز

ماوشما

* با وجود سفر سالانه بیش از دو میلیون زائر عرب و آذری زبان به مشهد مقدس بهتر نیست در صفحه زندگی سلام، بخش انگلیش آموزی تغییراتی ایجاد شود؟
* واااااااای! داش علکساندر خیلی با این داستانت حال کردم. شاد و پیروز باشی.
فری مشهدی
* همه صبح بلند می شن چایی می خورن، من صبح بلند می شم زندگی سلام می خونم.
یاوری مهر
* علیرضا کاردار، ایول. مطالبت عالیه.
امیرحسین یاوری
پاسخ خفن استریپ شماره قبل : آبکاری- گاوباز- یکرنگی

سرنقطه